

هم‌زمانین علی‌السلام

ده گفتار از حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم (علیهم‌السلام)
معظم‌الحرام ۱۳۹۲ هجری قمری برابر با بهمن‌ماه ۱۳۵۱ هجری شمسی
هیئت انصارالحسین تهران



دفتر انتشارات و مطبوعات مجلس شورای اسلامی

مقدمه

دوام سلطه و حکومت خلفای جور در طول قرون متمادی، بتدریج به این باور عمومی حتی نزد غالب متفکران انجامید که اساساً مبارزه با ظلم و ظالم و تشکیل حکومت اسلامی برای تحقق عینی و عملی دین، وظیفه و تکلیفی است که ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) یعنی جانشینان راستین سید المرسلین (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جز در بعضی ادوار - که جلوه‌ی بارز آن، قیام حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) و مبارزه‌ی رودررو با طاغوت زمان در حماسه‌ی عاشورا است - تلاشی عملی برای ایفای آن مبذول نداشته‌اند، هرچند این سکوت و سکون، به سبب فشار فرساینده‌ی حاکمان و عمل به وظیفه‌ی اسلامی تقیه بوده باشد.^۱ از این رو، ائمه‌ی هدی (صلوات‌الله‌علیهم)، در نگاه عموم مسلمین بلکه در چشم قاطبه‌ی پیروان خود، آن سلاله‌ی پاک نبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اسوه‌های علم و فضیلت و عبادت حَقّند که فاقد هرگونه کنش یا تأثیر سیاسی و مبارزه با طواغیت زمان محسوب میشوند. بدیهی است که چنین تصویری، تا چه حد در سوق دادن جوامع اسلامی به خمودی و سستی و ظلم‌پذیری نقش مؤثر داشته است؛ هرچند از نقش زیرکانه‌ی دستگاه حکومت برای تصویر چهره‌ی ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام)

۱. ربک، گفتار دهم کتاب حاضر

بعنوان شخصیت‌های برجسته‌ی پاک‌نهادی که راضی از اقدامات حاکمان بلکه همراه با آنان بوده‌اند نباید غافل بود.^۱ براستی با وجود چنین پنداری، کدام شیعه‌ی راستین امامان معصوم (علیهم السلام) به خود جرئت می‌دهد اندیشه‌ای حتی کمتر از اندیشه‌ی آنچه در واقعه‌ی کربلا صورت گرفت در ذهن پیرورد؟ و براین اساس آیا نباید مجاهدت و فداکاری امام حسین (علیه السلام) و یارانش را منحصر به شرایط مختص به آن حضرت دانست؟

در مقابل این طرز تفکر غالب، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) برپایه‌ی تحقیق و تأمل در تاریخ اسلام و با استناد به احادیث معتبر از یک سو و روایات تاریخی از سوی دیگر براین باورند که تمامی پیشوایان دین (علیهم السلام) پس از قیام عاشورا تلاش وسیعی را برای مبارزه با حکومت ظلم و براندازی آن و تشکیل حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله) سامان داده‌اند. گرچه این تلاشها به اقتضای شرایط مختلف ناشی از قهر و سلطه‌ی حاکمان جبار، اکثراً به شکل غیر آشکار صورت می‌گرفته است. بر این اساس، امامان معصوم - از امام سجاد تا امام عسکری (علیهم السلام) - همگی مجاهدانی بوده‌اند که از هیچ‌گونه اقدام عملی رودررو، تشکیلاتی، تبیینی و مانند آن با قصد حاکم کردن ارزشهای الهی با تشکیل حکومتی که خود در رأس آن قرار گیرند، فروگذار نکرده‌اند، و بنابراین همگی همگامان و «همزمان امام حسین (علیه السلام)» و در جبهه‌ی واحد با آن مظهر مبارزه با حکومت ستمگران قرار می‌گیرند.^۲ در این نگرش به حیات و اقدامات جانشینان بر حق پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، همه‌ی آنان «مجاهدین فی سبیل الله» اند یعنی در هر لحظه و زمان در حال مبارزه با دشمن در راه

۱. رک: صفحه‌ی ۱۸ کتاب حاضر

۲. رک: صفحه‌ی ۲۳۶ کتاب حاضر

وصول به مقصدند.^۱

بتلخی باید اعتراف کرد آنچه طواغیت زمانه یعنی عبدالملک و هشام و منصور دوانیقی و هارون الرشید و امثال آنان از سیره و روش حقیقی ائمه‌ی طاهربین (علیهم‌السلام) فهمیدند و دریافتند، پیروان امامان هم‌ام در قرون متمادی درک نکردند و نشناختند.^۲

این نگرش واقعی به تاریخ و سیره‌ی پیشوایان دین، مستند به شواهد و قرائن آشکار، باور عمومی پیش‌گفته را به چالش میکشد و عموم مسلمانان بویژه پیروان و شیعیان هادیان دین را به اقتدا به آن مقتدایان و تأسی به آن اسوه‌ها فرامیخواند.^۳

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با خلق تعبیر «انسان ۲۵۰ ساله»، معصومین پس از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به منزله‌ی یک انسان میدانند که از سال ۱۱ تا ۲۶۰ هجری قمری همواره در حال «جهاد» با ظلم و انحراف، و مبارزه‌ی سیاسی حادّ ممتد با طواغیت است.^۴ گرچه صورت و قالب این مبارزه به تبع شرایط مختلف و به اقتضای زمینه‌های متفاوت، مختلف و متفاوت بوده؛ گاهی صلح کرده، گاه به جنگ مسلحانه پرداخته، گاه به مبارزه‌ی تشکیلاتی پنهانی برای براندازی حکومت ظلم روی آورده و در مواردی کسانی را به جهاد و جنگ مسلحانه ترغیب کرده یا از آنان پشتیبانی مالی نموده است.^۵ از این رو، این نگرش کلامی صحیح و استوار در میان متفکران شیعه که همه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) نور واحدند، به وحدت در مسئله‌ی مهمّ جهاد و مبارزه با دشمن نیز توسعه می‌یابد،^۶ و لذا مخاطبه‌ی با هر یک از ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) و گواهی به

۱. رک: صفحات ۱۱۱ و ۱۱۲ کتاب حاضر

۲. رک: صفحه‌ی ۱۷۱ کتاب حاضر

۳. رک: صفحه‌ی ۱۵ کتاب حاضر

۴. رک: صفحات ۵۹ تا ۶۱ کتاب حاضر

۵. رک: صفحات ۶۴ و ۶۵ کتاب حاضر

۶. رک: صفحه‌ی ۶۰ کتاب حاضر

جهاد حقیقی او در راه خدا - اشهد انک جاهدت فی الله حق جهاده^۱ - معنی می یابد.^۲

اندیشه‌ی مبارزه با حکومت جور به قصد براندازی آن و تشکیل حکومتی برپایه‌ی ارزشهای الهی که پیام سیره‌ی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) است، درسی برای اهل ایمان در دوران سیطره‌ی طاغوت بر کشور اسلامی ایران نیز داشت. حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) که در سال ۱۳۵۰ به این بُعد مهم در زندگی ائمه (علیهم السلام) پی برده بودند: «اول بار، این فکر برای بنده در سال ۱۳۵۰ و در دوران محنت بار یک امتحان و ابتلا دشوار پیدا شد.»^۳ در مجامع مختلف و در مواجهه‌ی با اقشار گوناگون با تبیین این واقعیت مستحکم زندگی ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام)، بذریعگی حرکت و تکاپو برای ایجاد حکومت اسلامی را در دل و ذهن مشتاقان می افشاندند. براین اساس یکی از وجوه و مظاهر مبارزه‌ی ایشان با حکومت و سلطنت شاه، تبیین این حقایق اصیل اسلامی است که نتیجه‌ی آن، بیداری دل و ذهن مخاطبان و توجه به وظیفه‌ی سرنگونی رژیم طاغوت بود.

کتاب حاضر مجموعه‌ی ده سخنرانی معظّم له در باب عنصر مبارزه در سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) است که در محرم سال ۱۳۹۳ هجری قمری برابر با بهمن ۱۳۵۱ هجری شمسی - که فضای اختناق ستم شاهی و فشار و سرکوب مبارزان توسط ساواک رژیم بیدادگر پهلوی به اوج خود رسیده بود - در هیئت «انصارالحسین (علیه السلام)» تهران ایراد شده است.

معظّم له در این سلسله سخنرانی‌ها، درباره‌ی اهمیت شناخت صحیح امامان و توطئه‌ی دشمنان برای تحریف چهره‌ی مبارزاتی آنان، معنای جهاد و مقصود از مجاهدت ائمه (علیهم السلام) سخن گفته‌اند.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت امین الله

۲. رک: صفحه‌ی ۹۶ کتاب حاضر

۳. در افتتاحیه‌ی کنگره‌ی جهانی حضرت رضا (ع) در مشهد ۱۳۶۵/۴/۲۸